



شروېشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي  
پرتال جامع علوم انساني

پښتنه حقوق



پروہش گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## رفتار با سرمایه‌گذاران خارجی در قوانین سرمایه‌گذاری ایران با توجه به استانداردهای بین‌المللی\*

مهدی حدادی\*\*

حسین رحمت‌الهی\*\*\*

اگرچه سرمایه‌گذاری خارجی به ویژه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در توسعه اقتصادی کشورها نقش بسزائی دارد، اما همواره موانعی بر سر راه آن در کشورها، خصوصاً کشورهای در حال توسعه وجود دارد. یکی از موانع عمده، عدم وجود قوانین مناسب است که با ارائه رفتار مطلوب بتواند اعتماد و اطمینان سرمایه‌گذاران خارجی را جلب نماید.

امروزه سازمان‌های بین‌المللی همچون بانک جهانی، سازمان توسعه و همکاری اقتصادی با ارائه استانداردهای رفتاری، کشورها را تشویق می‌نمایند که برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی از این استانداردها پیروی نمایند. در این

---

\*\* این پژوهش مستخرج از طرح «راهکارهای مناسب در خصوص رفتار با سرمایه‌گذاران خارجی در قوانین سرمایه‌گذاری ایران با توجه به استانداردهای بین‌المللی» به شماره ۴۲۲/۱/۴۲۵ می‌باشد که با حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه تهران (مجمع آموزش عالی قم) انجام شده است.

\*\*\* عضو هیأت علمی مجمع آموزش عالی قم.

\*\*\* عضو هیأت علمی مجمع آموزش عالی قم.

الگوهای رفتاری سعی بر آن است که منافع سرمایه‌گذاران خارجی به نحو مطلوب مورد حمایت قرار گیرد. کشورهای در حال توسعه با توجه به نیاز به سرمایه‌گذاری خارجی با وضع قوانین جدید سرمایه‌گذاری و نیز با انعقاد معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری با کشورهای صادرکننده سرمایه از این استانداردهای رفتاری پیروی می‌نمایند.

مقررات فعلی سرمایه‌گذاری خارجی ایران به لحاظ قدیمی بودن و عدم توجه به استانداردهای رفتاری مورد پذیرش جهانی در مقایسه با قوانین سایر کشورهای در حال توسعه از جذابیت لازم برای جذب سرمایه‌گذاران خارجی برخوردار نیست. اصلاح قانون فعلی و یا وضع قوانین جدید و نیز انعقاد معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری با کشورهای صادرکننده سرمایه نیز می‌تواند تا حدودی از موانع موجود بر سر راه سرمایه‌گذاری خارجی در ایران بکاهد.

**واژگان کلیدی:** استانداردهای رفتاری، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، معاهدات دوجانبه، قوانین سرمایه‌گذاری خارجی، کشورهای میزبان، کشورهای صادرکننده سرمایه.

## مقدمه

در یک تقسیم‌بندی کلی، سرمایه‌گذاری خارجی به سرمایه‌گذاری عمومی خارجی و سرمایه‌گذاری خصوصی خارجی طبقه‌بندی می‌شوند. سرمایه‌گذاری عمومی خارجی به سرمایه‌گذاری‌هایی اطلاق می‌شود که توسط دولت‌ها و یا سازمان‌های بین‌المللی انجام می‌شود. در مقابل این نوع سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاری خصوصی خارجی قرار می‌گیرد که توسط اشخاص یا شرکت‌های خصوصی در خارج از کشور متبوع سرمایه‌گذار صورت می‌گیرد. مقصود ما از رفتار با سرمایه‌گذاران خارجی، رفتار با سرمایه‌گذاران خصوصی خارجی می‌باشد، زیرا سرمایه‌گذار خصوصی و کشور میزبان در یک سطح و برابر نیستند و انصاف و حقوق حکم می‌کند که سرمایه‌گذار خصوصی خارجی مورد حمایت خاص قرار گیرد.

در سال‌های اخیر در خصوص اهمیت سرمایه‌گذاری خصوصی خارجی خصوصاً

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مقالات و مطالب زیادی منتشر شده است، لذا قصد بررسی این بُعد از سرمایه‌گذاری خارجی را نداریم. با وجود این باید متذکر شد که لازمه رشد و توسعه اقتصادی در هر کشور وجود سرمایه است، سرمایه‌ای که می‌تواند داخلی یا خارجی باشد. با توجه به این امر که سرمایه‌های داخلی از لحاظ کمی و کیفی در قیاس با سرمایه‌های خارجی برای سرمایه‌گذاری دارای محدودیت‌هایی است، بهره‌گیری از سرمایه‌های خارجی برای سرمایه‌گذاری، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، در هرگونه اقتصادی و با هر درجه‌ای از رشد و توسعه از اولویت به مراتب بیشتر و بالاتری برخوردار است (امینی، ۱۳۷۸، ص ۴). از طرف دیگر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نه تنها منابع سرمایه‌ای و تشکیل سرمایه را افزایش می‌دهد بلکه خود وسیله‌ای است برای انتقال تکنولوژی، مهارت، توان نوآوری و شیوه‌های سازمانی و مدیریت از نقطه‌ای به نقطه دیگر جهان و نیز دستیابی به شبکه بین‌المللی فروش. امروزه تجربیات موفق پاره‌ای از کشورهای جهان به خصوص کشورهای شرق و جنوب شرق آسیا در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تأثیر مثبت آن بر اقتصاد ملی این کشورها و رویکرد سایر کشورهای جهان به سوی سرمایه‌گذاری خارجی خصوصاً سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نشان دهنده سهم و نقش قابل توجه آن در سیاست‌ها و خط مشی‌های اقتصادی رشد و توسعه می‌باشد (سیدنورانی، ۱۳۷۹، ص ۱۷).

کشور ما نیز برای همسویی با روند پرشتاب رشد اقتصادی در قاره آسیا بویژه کشورهای جنوب شرق و شرق راهی جز افزایش چشمگیر در نرخ سرمایه‌گذاری‌های خود ندارد. از طرفی دیگر امکانات داخلی برای تشکیل سرمایه برای تحقق اهداف کلان اقتصادی تکافو نمی‌کند. لذا به اعتقاد کارشناسان اقتصادی استفاده از منابع مالی خارجی خصوصاً سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به عنوان مکمل منابع داخلی و ابزاری جهت هموار نمودن سرمایه‌گذاری‌های داخلی و گسترش و تقویت ظرفیت‌ها و نیروهای مولد امری اجتناب‌ناپذیر و ضروری است (دفتر بررسی‌های اقتصادی، ۱۳۷۸، ص ۲۲۴).

با این وجود، در برابر ورود جریان سرمایه‌گذاری خارجی به کشور موانع و محدودیت‌هایی وجود دارد که اهم آن عبارتند از: ۱- عدم وجود عزم و اراده ملی در

خصوص پذیرش سرمایه‌گذاری‌های خارجی، ۲- عدم وجود مواضع مشترک، پایدار و دقیق بین دستگاه‌های اجرایی و قانونگذاری و شورای نگهبان راجع به سرمایه‌گذاری خارجی، ۳- فقدان امنیت اقتصادی، ۴- عدم ثبات سیاسی، ۵- بوروکراسی اداری و... اما یکی از مهم‌ترین موانع، فقدان فضای قانونی مناسب یعنی قوانینی است که بر سرمایه‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها حاکم می‌باشد. در این مقاله قصد داریم نحوه رفتار با سرمایه‌گذاران خارجی را در قوانین مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی ایران مورد بررسی قرار داده و مقایسه‌ای هم با رفتارهای مناسب پیش‌بینی شده در مقررات بین‌المللی داشته باشیم.

## ۱) موضوعات اساسی مربوط به رفتار با سرمایه‌گذاران خارجی

از آنجا که در این مقاله امکان بررسی تمام ابعاد و زمینه‌های مربوط به رفتار با سرمایه‌گذاران خارجی در قوانین کشور وجود ندارد، لذا بحث خود را به مهم‌ترین موضوعات مربوط به رفتار با سرمایه‌گذاران خارجی شامل: مسئله ورود و استقرار (پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی) و نحوه رفتار پس از پذیرش اختصاص می‌دهیم. به دلیل نقش مشوق‌های مالی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی، این موضوع را نیز مورد بررسی قرار خواهیم داد.

### ۱-۱) ورود و استقرار (پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی) در کشور

نحوه پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی و میزبان باز یا بسته بودن کشورها بر روی سرمایه‌گذاران خارجی از جمله مؤلفه‌های مهم می‌باشد که سرمایه‌گذاران خارجی در هنگام تصمیم‌گیری خود به آن توجه می‌نمایند.

در حالی که «ورود» ممکن است برای انجام فعالیت‌های دیگری غیر از سرمایه‌گذاری نیز باشد، «استقرار» معمولاً شامل ورود، حضور مداوم و دنبال کردن

فعالیت‌های اقتصادی توسط اشخاص حقیقی و حقوقی خارجی می‌شود (فتوروس<sup>۱</sup>، ۱۳۷۷، ص ۹۷).

به موجب یکی از اصول مهم حقوق بین‌الملل، یعنی اصل حاکمیت کشورها، هر کشور این حق را دارد که ورود و استقرار اتباع بیگانه را در قلمرو سرزمینی خود مجاز یا ممنوع اعلام کند. این اصل حقوق بین‌الملل در پاره‌ای از قطعنامه‌ها و اعلامیه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز مورد تأیید قرار گرفته است؛ برای مثال، قطعنامه شماره ۳۲۸۱، ۱۲ دسامبر ۱۹۷۴<sup>۲</sup> که مسأله نظم نوین اقتصادی بین‌المللی را مطرح نمود و حمایت تقریباً تمام کشورهای در حال توسعه را بدست آورد در ماده ۲ مقرر می‌دارد:

هر کشور حق دارد اقتدار حاکم بر سرمایه‌گذاری خارجی را در داخل صلاحیت ملی خود مطابق با قوانین و مقرراتش و بر طبق اولویت‌ها و اهداف ملی خود تنظیم و اجرا نماید. هیچ کشوری مجبور نخواهد بود که رفتار ترجیحی نسبت به سرمایه‌گذاری خارجی در پیش گیرد.

در خط مشی‌های بانک جهانی در مورد رفتار با سرمایه‌گذاری خارجی ۱۹۹۲<sup>۳</sup>، نیز حق کشور میزبان برای قانونگذاری در مورد سرمایه‌گذاری خارجی پذیرفته شده است (سورناراجا<sup>۴</sup>، ۱۹۴۴، ص ۲۱۸).

پس از جنگ جهانی دوم، سیاست اکثر دولت‌ها بیشتر تر در جهت تنظیم و محدود ساختن ورود سرمایه‌های خارجی قرار داشت و نسبت به کشورهای پیشرفته و یا در حال توسعه نیز فرق نمی‌کرد، به نحوی که در نیمه اول دهه ۸۰-۱۹۷۰ همه جا ساز و کارهای

1. Fatouros.

2. UN General Assembly Res. 3281 (XXIX), Dec, 12, 1974.

۳. توسعه استانداردهای بین‌المللی در خصوص رفتار با سرمایه‌گذاران خارجی بخشی از دستور کار گروه بانک جهانی را تشکیل می‌دهد. در این راستا، بانک جهانی در سال ۱۹۹۲، خط مشی‌هایی در خصوص رفتار با سرمایه‌گذاری خارجی ایجاد نمود. اصولاً خط مشی‌ها الزام‌آور نیستند. آن‌ها را می‌توان نمونه‌ای از حقوق نرم (Soft Law) محسوب نمود، که چنانچه به طور عموم پذیرفته شود و پیوسته توسط دولت‌ها در روابطشان با سرمایه‌گذاران خارجی به کار روند می‌تواند به قواعد موضوعه حقوق بین‌الملل تبدیل گردد. از دیگر اقدامات جهانی در مورد تشویق سرمایه‌گذاری خارجی، تلاش در جهت ایجاد مؤسسه تضمین سرمایه‌گذاری چندجانبه و مرکز بین‌الملل حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری (ICSID) می‌باشد.

4. Sornarajah.

مفصل و پیچیده‌ای برای کنترل و گزینش سرمایه‌گذاری برقرار شده بود (فتوروس، ۱۳۷۷، ص ۹۷). لیکن در طول دو دهه گذشته دولت‌ها در جهت تغییر سیاست خود از تنظیم و محدود ساختن ورود و استقرار سرمایه‌گذاری خارجی به ترویج و تشویق فعالیت آن‌ها حرکت کرده‌اند. علت این گرایش را در چند عامل می‌توان خلاصه کرد:

حرکت عمومی در جهت مقررات زدایی و تشویق فعالیت‌های تجاری خصوصی؛  
توجه کشورهای در حال توسعه به رشد اقتصادی از طریق صادرات؛  
بار سنگین بدهی خارجی بسیاری از کشورهای در حال رشد؛  
عمیق‌تر شدن شکاف تکنولوژیک بین کشورهای پردرآمد و کشورهای در حال رشد و موفقیت محدود کنترل‌ها در تأمین اهداف خود (باسیل، ۱۳۷۳، ص ۶۸-۶۷).

بدین ترتیب روند کلی به سوی آزادسازی سرمایه‌گذاری در پهنه ملی و در صحنه منطقه‌ای تا حد زیادی افزایش یافته است، در نتیجه کنترل‌ها در کشورها یا به طور کلی حذف یا از شدت آن به نحو قابل ملاحظه‌ای کاسته شده است.

در خط مشی‌های بانک جهانی در مورد رفتار با سرمایه‌گذاری خارجی نیز با وجود شناسایی حق کشور میزبان در مورد کنترل ورود سرمایه‌گذاری خارجی، پذیرش باز به عنوان یک شیوه برتر و مؤثرتر مورد تأکید قرار گرفته است (سورناراجا، ۱۹۹۴، ص ۲۱۸). یکی از آزادی‌های اساسی اتحادیه اروپا نیز حرکت آزاد سرمایه است. برای مثال دستور العمل 88/361/EEC اتحادیه اروپا از کشورهای عضو می‌خواهد که تمام محدودیت‌های مربوط به حرکت سرمایه را برطرف نمایند (جیست<sup>۱</sup>، ۱۹۹۵، ص ۶۸۱).

در عین حال که حرکت به سوی آزادسازی مشخصاً دیده می‌شود، اما هنوز محدودیت‌های عمده‌ای در مورد ورود و استقرار سرمایه‌گذاری خارجی چه در کشورهای پیشرفته و چه در کشورهای در حال توسعه پابرجاست.

سرمایه‌گذاری خارجی ممکن است از سرمایه‌گذاری در بخش‌های خاصی از اقتصاد کشور میزبان محروم شود. اکثر کشورها بخش‌هایی از اقتصاد خود را به عنوان بخش‌های



کلیدی معرفی می‌نمایند و در آن محدودیت‌های کلی یا جزئی برقرار می‌کنند، مانند کشتی‌سازی و صنایع هوائی و... کشورهای در حال توسعه نیز بخش خاصی را از شمول سرمایه‌گذاری خارجی حفظ کرده‌اند تا از این طریق از صنایع بومی در مقابل تسلط خارجی حمایت نمایند، برای مثال در سال‌های اخیر برزیل و هند برای سرمایه‌گذاران خارجی برای سرمایه‌گذاری در صنایع مینی و میکرو کامپیوتر محدودیت ایجاد کرده‌اند (میوچلنسکی<sup>۱</sup>، ۱۹۹۵، ص ۱۷۷).

از دیگر محدودیت‌ها در مورد پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی، قوانین محدودکننده سهام‌داران خارجی در شرکت‌های محلی است. قوانین این کشورها حضور اکثریت سهام‌داران محلی را لازم می‌دانند، برای مثال هند برای تشکیل شرکت‌های سهامی خاص این شرط را لازم می‌داند که اکثریت سهام در دست اشخاص محلی باشد (امیر احمدی، ۱۳۷۹، ص ۱۵۵).

در پاره‌ای از کشورها، قوانین، سرمایه‌گذاری مشترک توسط سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی را مطرح می‌نمایند. از لحاظ تاریخی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه عموماً در قالب شرکت‌های فرعی با مالکیت صددرصد خارجی بوده است. لیکن اخیراً تعداد فزاینده‌ای از سرمایه‌گذاران جدید در قالب سرمایه‌گذاری مشترک با سهام شدن شرکت‌های محلی و خارجی در مالکیت صورت می‌گیرد (سازمان توسعه صنعتی ملل متحد، ۱۳۷۲، ص ۱۱). لذا قوانین مذکور نه تنها حضور سهام‌داران محلی را لازم می‌دانند، بلکه مشارکت محلی را در مدیریت شرکتی که با سرمایه‌گذار خارجی به طور مشترک تشکیل شده را مقرر می‌دارند. این قوانین درصدد هستند نه تنها مالکیت خارجی را محدود سازند، بلکه کنترل خارجی را بر سرمایه‌گذاری محدود نمایند. لذا برای کشورهایی که تمایل دارند کنترل مستقیم بر فعالیت‌های سرمایه‌گذار خارجی داشته باشند، این شیوه از اهمیت زیادی برخوردار است.

پس از بررسی کلی موضوع، لازم است وضعیت ورود و استقرار (پذیرش)

1. Muchlinski.

سرمایه گذاری خارجی در قوانین ایران را مورد توجه قرار دهیم.

اهم قوانین و مقررات داخلی کشور ناظر بر سرمایه گذاری خارجی شامل: پاره ای از اصول قانون اساسی از جمله اصل ۸۱، قانون جلب و حمایت سرمایه های خارجی مصوب ۱۳۳۴ و آئین نامه اجرای آن، قانون ثبت شرکت ها مصوب ۱۳۱۰ و مصوبات هیأت وزیران می باشد.

با بررسی مقررات فوق الذکر می توان به نحوه رفتار مقررات ایران در مورد پذیرش سرمایه گذاران خارجی در کشور پی برد. در نظام حقوقی فعلی ایران، جذب سرمایه های خارجی در جهت توسعه اقتصادی کشور متوجه قرار گرفته و حتی مورد حمایت ویژه نیز قرار دارد.

بر اساس ماده ۱ قانون مربوط به جلب و حمایت سرمایه های خارجی مصوب ۱۳۳۴:

اشخاص و شرکت ها و مؤسسات خصوصی خارجی که با اجازه دولت ایران طبق ماده ۲ این قانون سرمایه خود را به صورت نقد - کارخانه - ماشین آلات و قطعات آنها - ابزار - حق الاختراع و خدمات شخصی و امثال آنها به منظور عمران و آبادی و فعالیت تولیدی اعم از صنعتی - معدنی - کشاورزی و حمل و نقل به ایران وارد کنند از تسهیلات مندرج در این قانون برخوردار خواهند شد.

و بر اساس ماده ۳ قانون مذکور سرمایه هایی که مطابق با ماده یک این قانون وارد ایران شود و منافع حاصل از آن مورد حمایت دولت قرار خواهد گرفت. لذا ایران از جمله کشورهایی محسوب می شود که ورود و استقرار سرمایه گذاری خارجی در آن ممنوع نمی باشد. البته پذیرش سرمایه گذاری خارجی در کشور با شرایط و محدودیت هایی همراه می باشد:

۱- مجوز هیأت دولت: بر اساس قانون ۱۳۳۴ ورود و استقرار هر نوع سرمایه خارجی تنها با مجوز هیأت دولت صورت خواهد گرفت (ماده ۱).

۲- فعالیت در بخش های خصوصی: بر اساس آئین نامه اجرایی قانون ۱۳۳۴، یکی از محدودیت های پیش روی سرمایه گذاران خارجی این است که تنها در زمینه ای می توانند

تقاضای سرمایه گذاری نمایند که فعالیت در آن بخش برای مؤسسات خصوصی داخلی مجاز باشد. و از آن جا که بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی ج.ا.ایران، صنایع بزرگ مادر، معادن، راه آهن و دیگر بخش های بزرگ اقتصاد در دست بخش دولتی متمرکز می باشد، لذا امکان فعالیت سرمایه گذاران خارجی در این بخش عملاً غیرممکن خواهد بود. زیرا سرمایه گذاری ای که در این بخش ها از سوی سرمایه گذاران خارجی انجام می شود، تحت پوشش قانون جلب و حمایت سرمایه های خارجی قرار نمی گیرد. بنابراین به لحاظ عدم استفاده از تضمین ها و حمایت های این قانون، سرمایه گذاران خارجی انگیزه چندانی جهت سرمایه گذاری در این بخش ها نخواهند داشت. از سوی دیگر وجود اصل ۴۴ این توهم را به وجود می آورد که اگر صنعتی توسط بخش خصوصی ایرانی و خارجی ایجاد و در اثر سرمایه گذاری های مداوم توسعه یابد و به صنایع بزرگ تبدیل شود، در معرض دولتی شدن و ملی شدن قرار می گیرد. بنابراین صاحبان سرمایه سعی خواهند نمود از توسعه صنایع و ایجاد صنایع بزرگ احتراز نمایند و این با روح پیشرفت و اعتلای تولید در تضاد است (دفتر بررسی های اقتصادی، ۱۳۷۸، ص ۲۴۶).

۳- ممنوعیت تشکیل شرکت در ایران توسط خارجیان: قانون سال ۱۳۳۴ و آئین نامه اجرایی آن هیچ گونه اشاره ای به منع تشکیل شرکت با صد درصد سهام متعلق به خارجیان نمی کند. البته در پیش از انقلاب در بخش نامه وزیر اقتصاد به شماره ۱۷۵۸۷ مورخ ۴۳/۴/۲۷ از هیأت رسیدگی به درخواست های سرمایه گذاری خارجی خواسته شد که با صد درصد سرمایه گذاری خارجی بدون مشارکت ایرانی مخالفت شود. پس از انقلاب بر اساس اصل ۸۱ قانون اساسی ج.ا.ایران:

دادن امتیاز تشکیل شرکت ها و مؤسسات در امور تجاری، صنعتی، کشاورزی، معادن و خدمات به خارجیان ممنوع است.

در خصوص این اصل اظهار نظر های متفاوتی صورت گرفته و حتی تفسیر شورای نگهبان در خصوص این اصل هنوز نتوانسته ابهامات موجود را رفع نماید (در خصوص این تفاسیر ر.ک: امام، ۱۳۷۳، ص ۸۷). این تفاسیر مختلف از اصل ۸۱ توسط افراد و دستگاه های مختلف موجب بروز ابهاماتی برای سرمایه گذاران خارجی گردیده و بعضاً

آن‌ها را نسبت به سرمایه‌گذاری در کشور با تردید مواجه می‌سازد. با توجه به این اصل، تشکیل شرکت‌ها یا مؤسسات توسط سرمایه‌گذاران خارجی که ۱۰۰٪ سرمایه آن متعلق به آن‌ها باشد ممنوع می‌باشد. هم‌چنین شرکت‌های چندملیتی نیز نمی‌توانند در ایران اقدام به تأسیس شرکت‌های فرعی با مالکیت ۱۰۰٪ نمایند. تنها راهی که برای سرمایه‌گذاران خارجی برای ورود و استقرار باقی می‌ماند، تشکیل شرکت مشترک یا حضور در شرکت‌های ایرانی به ثبت رسیده می‌باشد. یعنی گاهی اوقات شرکت ایرانی از قبل وجود دارد و شرکت مذکور برای توسعه کار و جذب تکنولوژی و سرمایه کافی می‌تواند از سرمایه‌های خارجی جهت افزایش سهام و بالا بردن تکنولوژی استفاده نماید. در جایی که شرکتی از قبل به وجود نیامده و به ثبت نرسیده، طرف خارجی با مشارکت یک شریک ایرانی می‌تواند هم‌زمان با تصویب طرح توسط هیأت رسیدگی یا پس از اخذ مصوبه هیأت وزیران نسبت به تشکیل شرکت مشترک جدید و آغاز عملیات مربوط به آن مبادرت نمایند.

البته در شرکت‌های مشترک نیز در خصوص سهام طرف خارجی محدودیت‌هایی وجود دارد. بر اساس مصوبه هیأت وزیران تحت عنوان «ضوابط پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی تحت پوشش قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی»، واگذاری نسبت‌های مختلف سهام به سرمایه‌گذاران خارجی در شرکت‌هایی که در اجرای طرح سرمایه‌گذاری خارجی در ایران به ثبت می‌رسند یا شرکت‌های ثبت شده موجود که در جهت ارتقای تولید و ظرفیت، سرمایه‌گذاری خارجی در آن‌ها صورت می‌گیرد، به شرح زیر مجاز است:

الف - در طرح‌های با هدف افزایش صادرات غیرنفتی، تکمیل حلقه‌های زنجیره تولید کشور و مجتمع‌های معدنی و صنعتی، رونق بخشیدن به بازار رقابت، افزایش کیفیت کالا و خدمات و کاهش قیمت‌ها تا هشتاد درصد (۸۰٪) سهام شرکت‌های مشترک قابل واگذاری به سرمایه‌گذاران خارجی است.

ب - در طرح‌های با هدف اکتشاف و بهره‌برداری از منابع زیرزمینی و معادن حداکثر تا چهل و نه درصد (۴۹٪) سهام شرکت‌های مشترک قابل واگذاری به سرمایه‌گذاران

خارجی است.

افزایش سقف مشارکت سرمایه‌گذاران خارجی در طرح‌های خاص به پیشنهاد هیأت رسیدگی به جلب سرمایه‌های خارجی و تصویب هیأت دولت انجام می‌شود (تبصره ۱ ماده ۴)

بر اساس تبصره ۲ ماده ۴: طرح‌هایی که از طریق روش‌های: بیع متقابل، BOT، BOOT و سایر روش‌های تأمین مالی طرح (Project Financing) توسط سرمایه‌گذاران خارجی تأمین مالی و تحت پوشش قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی اجرا می‌شوند، مشمول محدودیت‌های واگذاری نسبت‌های مختلف سهام به سرمایه‌گذاران خارجی می‌باشند. البته این روش سرمایه‌گذاری خارجی نمی‌تواند نتایج و آثار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را که کشورهای زیادی از آن بهره‌مند هستند به دنبال داشته باشند. با وجود این، در سال‌های اخیر خصوصاً در بخش‌های دولتی و پروژه‌های بزرگ صنعتی از جمله در صنعت نفت از این شیوه برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی استفاده شده است. به لحاظ صراحت ماده یک قانون ۱۳۳۴ و آئین‌نامه اجرایی آن در صورتی که این نوع سرمایه‌گذاری در بخش‌های دولتی صورت گیرد، تحت پوشش قانون مذکور قرار نخواهد گرفت و این یک نقطه ضعف این قانون می‌باشد.

هدف‌های مذکور در این مصوبه هیأت وزیران نشان می‌دهد که دولت قصد دارد، سرمایه‌گذاری خارجی را به سمت طرح‌ها و پروژه‌های مورد نظر خود هدایت نماید که البته این مسئله امر پسندیده‌ای می‌باشد، زیرا در ارتباط با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نقش ارشادی دولت‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

آیا شرکت‌های خارجی می‌توانند از طریق شعبه یا نمایندگی در کشور اقدام به سرمایه‌گذاری نمایند؟

اگرچه بر اساس قانون ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۱۰، شرکت‌های خارجی می‌توانند به وسیله شعبه یا نمایندگی به امور تجاری، صنعتی، مالی در ایران مبادرت نمایند مشروط به این‌که در مملکت اصلی خود شرکت قانونی شناخته شده و در اداره ثبت شرکت‌ها به ثبت رسیده باشند. لیکن آئین‌نامه اجرایی قانون اجازه ثبت شعبه یا

نمایندگی شرکت‌های خارجی مصوب ۱۳۷۶، زمینه‌های فعالیت شعب یا نمایندگی‌های شرکت‌های خارجی را بر خلاف قانون ۱۳۱۰ محدود کرده است. لذا شرکت‌های خارجی نمی‌توانند از طریق تشکیل شعبه یا نمایندگی اقدام به فعالیت تولیدی اعم از صنعتی، معدنی و کشاورزی نمایند و از حمایت و مزایای قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی ایران بهره‌مند شوند.

۴- عدم امکان سرمایه‌گذاری دولت‌های خارجی: بر اساس ماده یک قانون ۱۳۳۴ و آئین‌نامه اجرایی آن، ورود سرمایه‌گذاران دولتی خارجی از کانال این قانون امکان‌پذیر نمی‌باشد. حتی در صورتی که به نحوی دولت خارجی در سرمایه‌وارده سهم شود یا انتقال سرمایه‌ای به دولت صورت گرفته باشد، سرمایه‌مزبور باید ظرف مدت معینی از کشور خارج شود.

## ۲-۱) نحوه رفتار پس از پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی

یکی از موضوعات اساسی حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری خارجی، رفتار با سرمایه‌گذاران خارجی در داخل کشور میزبان می‌باشد. این‌که نحوه رفتار با سرمایه‌گذاران خارجی تابع چه اصول و مقرراتی است بین کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته اتفاق نظر وجود ندارد. لذا تلاش‌هایی که در جهت تنظیم مجموعه مقررات مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی و نحوه رفتار با سرمایه‌گذاران خارجی صورت گرفته با شکست مواجه شده است، از این‌رو، فقدان یک چهارچوب حقوقی صریح در خصوص رفتار با سرمایه‌گذاران خارجی کاملاً مشهود می‌باشد (ساردوتی<sup>۱</sup>، ۱۹۹۷، ص ۲۸۸).

با فقدان یک کنوانسیون چندجانبه در این خصوص، کشورها در قالب معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری خارجی و منطقه‌ای تلاش نموده‌اند که برای کشورهای عضو در خصوص نحوه رفتار، تعهداتی ایجاد نمایند و سرمایه‌گذاران خارجی را مورد حمایت قرار دهند.

البته مسأله رفتار همواره در روابط کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه جنجال برانگیز بوده است. در روابط میان کشورهای صنعتی و توسعه یافته، فقدان چهارچوب حقوقی و صریح در خصوص رفتار با سرمایه گذاری خارجی هرگز مشکلی ایجاد نمی کند. اصول مشترک حمایت از اموال خصوصی و آزادی فعالیت اقتصادی خصوصی در قانون اساسی این کشورها تأمین می شود. سرمایه گذاران خارجی از تساوی رفتار بالا و حمایت مساوی بر اساس قانون برخوردار می شوند. در کنار این برداشت های مشترک داخلی، تمام کشورهای صنعتی پیوسته بر این عقیده اند که در خصوص حمایت از اموال خصوصی خارجی قواعد عرفی وجود دارد که رفتار مناسب و نیز جبران خسارت «فوری، کافی و مؤثر» را در صورت سلب مالکیت تضمین می نماید. دوم اینکه، بسیاری از معاهدات میان کشورهای توسعه یافته به حمایت از سرمایه گذاری خارجی یا به طور عام تر اموال خارجی می پردازند (ساسردوتی، ۱۹۷۷، ص ۲۸۸).

در ادامه بحث ابتدا به بررسی استانداردهای کلی رفتار که در اسناد بین المللی مطرح شده اند و هم چنین پاره ای از موضوعات اساسی مربوط به رفتار با سرمایه گذاران خارجی را مورد توجه قرار خواهیم داد.

### الف - استانداردهای کلی رفتار با سرمایه گذاران خارجی

مطابق اصل حاکمیت کشورها در حقوق بین الملل، سرمایه گذار خارجی پس از ورود و استقرار در کشور میزبان تابع قوانین و مقررات این کشور خواهد بود. به عبارت دیگر مطابق این اصل اولیه، کشور میزبان در خصوص تنظیم فعالیت های سرمایه گذاران خارجی از صلاحیت نامحدود برخوردار است (والاس<sup>۱</sup>، ۱۹۸۳، ص ۸۴). هر چند این سؤال مطرح می شود که آیا در حقوق بین الملل مقرراتی وجود دارد که وسعت این صلاحیت را کنترل نماید؟ در این خصوص از ابتدای جریان سرمایه گذاری فرامرزی همواره میان کشورهای در حال توسعه که میزبان سرمایه گذاران خارجی بوده اند و کشورهای توسعه یافته به عنوان کشورهای صادر کننده سرمایه اختلاف نظر وجود

داشته است (برای اطلساع بیشتر تر. ک: حدادی، ۱۳۷۹، ص ۲۳۷). در حالی که کشورهای توسعه یافته، استاندارد حداقل بین‌المللی را در خصوص رفتار با سرمایه‌گذاران خارجی مطرح کرده و حمایت نموده‌اند، در مقابل کشورهای واردکننده سرمایه به طور سنتی با کنترل اختیارات آن‌ها در این زمینه بوسیله حقوق بین‌الملل مخالفت کرده‌اند.

بهر حال در اسناد بین‌المللی در خصوص استاندارد رفتار، سه نوع استاندارد رفتاری مطرح شده است. در بعضی از معاهدات به «رفتار عادلانه و منصفانه» اشاره شده که باید به اتباع طرف‌های متعاقد داده شود. در مورد معنای دقیق عبارت اختلاف نظر وجود دارد، لیکن به اعتقاد حقوقدانان غربی، «رفتار عادلانه و منصفانه» به معنای آن است که با سرمایه‌گذاران خارجی مطابق با استانداردهای حداقل بین‌المللی رفتار شود (آنکتاد)<sup>۱</sup>. استاندارد حداقل به این معناست که یک سری حقوقی بر اساس حقوق بین‌الملل ایجاد شده که می‌تواند به نفع بیگانگان در مقابل کشورهای میزبان مورد استناد قرار گیرد؛ این واژه عموماً در رابطه با حقوقی به کار می‌رود که بوسیله حقوق بین‌الملل عرفی اعطا شده تا بر اساس معاهدات خاص (وی گتس<sup>۲</sup>، ۱۹۸۵، ص ۳۸۲).

در بعضی معاهدات به «رفتار ملی» اشاره می‌کنند. منظور از رفتار ملی آن است که کشور میزبان نباید میان اتباع خود و سرمایه‌گذاران خارجی تبعیض قائل شود. از آنجا که کشورهای سرمایه‌پذیر در صدد کنترل اداری بیش‌تر بر سرمایه‌گذاری خارجی هستند، به نظر می‌رسد که رفتار ملی پاسخ معقولی باشد.

قید معمول‌تری که در معاهدات، دوجانبه سرمایه‌گذاری درج شود و از معاهدات «دوستی، تجارت و کشتیرانی» اقتباس شده، «رفتار ملت کامله الوداد» است. این نوع استاندارد، اتباع طرفین را قادر می‌سازد که از رفتار مطلوبی که ممکن است به اتباع دولت‌های ثالث توسط هر کشور طرف قرارداد داده شود بهره‌مند شوند (سورناراجا، ۱۹۹۴، ص ۲۵۱). در بعضی از معاهدات، هر دو رفتار ملی و کامله‌الوداد را پیش‌بینی

1. UNCTAD.

2. Vagts.



می‌شود. در این طریق، اتباع دو کشور طرف قرارداد می‌توانند استاندارد مطلوب‌تری را مطالبه نمایند.

ماده ۳ قانون ۱۳۳۴ جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی ایران نیز استاندارد «رفتار ملی» را بیان می‌کند. این ماده اشاره می‌کند:

سرمایه‌هایی که مطابق ماده یک این قانون به ایران وارد می‌شود و منافع حاصل از به کار افتادن سرمایه‌های مزبور در ایران مشمول حمایت قانونی دولت بوده و کلیه حقوق و معافیت‌ها و تسهیلاتی که برای سرمایه‌ها و بنگاه‌های تولیدی خصوصی داخلی موجود است شامل سرمایه‌ها و بنگاه‌های خارجی نیز خواهد بود.

لذا بر اساس قانون فعلی، سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی از حقوق و امتیازات برابر برخوردار خواهند نمود، مگر در مواردی که به موجب همین قانون یا سایر قوانین و یا معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری خارجی دولت ایران با سایر کشورها، امتیازات و حقوق ویژه‌ای برای سرمایه‌گذاران خارجی در نظر گرفته شود. برای نمونه ماده ۴ موافقت‌نامه‌های تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری خارجی بین دولت ح.ا.ایران و جمهوری ارمنستان و ح.ا.ایران و ج.ا.پاکستان (سال ۱۳۷۴) استاندارد رفتار ملت کامله الوداد را مقرر می‌دارند:

سرمایه‌گذاری‌های سرمایه‌گذاران یک طرف متعاهد... از حمایت کامل قانونی و رفتار عادلانه‌ای که از رفتار اعمال شده نسبت به سرمایه‌گذاران هر کشور ثالثی که در شرایط قابل قیاسی قرار دارند نامساعدتر نباشد، برخوردار خواهند بود.

پس از بررسی استانداردهای کلی، به سه موضوع اساسی مرتبط با رفتار با سرمایه‌گذاری خارجی یعنی: انتقال سود و سرمایه، سلب مالکیت از اموال سرمایه‌گذار و مسأله حل و فصل اختلافات می‌پردازیم، موضوعاتی که برای سرمایه‌گذاران خارجی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

### ب. انتقال سود و سرمایه به خارج از کشور

امروزه یکی از امتیازات ویژه‌ای که کشورهای میزبان در جهت جذب سرمایه‌گذاری خارجی به سرمایه‌گذاران اعطا می‌کنند، امکان انتقال اصل سرمایه و سود حاصل از آن به

خارج از کشور میزبان می باشد. لذا در اکثر اسناد مربوط به سرمایه گذاری خارجی اعم از عمومی، منطقه ای، دوجانبه و قوانین ملی کشورها، مقرراتی در خصوص امکان انتقال آزادانه اصل سرمایه وارد شده و سود حاصل و سایر درآمدها به خارج از کشور میزبان وجود دارد. حتی در زمانهایی که محدودیت های ارزی برقرار می شود، کشورهای میزبان متعهد می شوند که آزادی انتقال وجوه مربوط به سرمایه گذاران خارجی را تضمین نمایند (فتوروس، ۱۳۷۷، ص ۱۰۱).

البته پاره ای از کشورها در خصوص میزان انتقال سود و اصل سرمایه سرمایه گذاران خارجی نیز کنترل هایی را اعمال می کنند. این قبیل کنترل ها می توانند اهدافی چون تشویق سرمایه گذاری مجدد سود، حداکثر بهره برداری از موقعیت انحصاری شرکت فراملی و کاستن از تقاضا برای ارز خارجی را در نظر داشته باشند. در این رابطه کشورها ممکن است، انتقال را به سطح معینی محدود سازند؛ برای مثال اتیوپی سالانه بازگرداندن سرمایه و سود را فقط تا ده درصد اجازه می دهد. بعضی کشورها مانند برزیل و کاستاریکا فقط تبدیل درصد معینی از درآمدها را به نرخ رسمی به پول رایج خارجی اجازه می دهند و مبالغ زیادی را به نرخ آزاد قیمت گذاری می کنند (دلویس<sup>۱</sup>، ۱۹۷۳، ص ۱۸).

از آن جا که این کنترل ها و تضمینات مربوط به انتقال باعث انصراف سرمایه گذاران خارجی از سرمایه گذاری می گردد، بسیاری از کشورها به رغم نیاز شدیدی که به ارز خارجی دارند، اخیراً این قبیل کنترل ها را کاهش داده اند (باسیل، ۱۳۷۳، ص ۷۲).

در خط مشی های بانک جهانی در مورد رفتار با سرمایه گذاری خارجی ۱۹۹۲، اهمیت زیادی به آزادی بازگرداندن سرمایه داده شده است. در این خط مشی ها انتقال نامحدود منافع سرمایه گذاری خارجی، مبالغ بدهی های ایجاد شده در رابطه با سرمایه گذاری خارجی، مبالغ پرداخت شده به سرمایه گذار خارجی به عنوان غرامت زیان ناشی از جنگ یا زیان های مشابه و مبالغی که در رابطه با تصفیه دارایی سرمایه گذاری خارجی تبدیل به پول نقد شده اند را مقرر می دارد. پول به ارز قابل تبدیل

منتقل می‌گردد. در مواردی که تأخیر وجود دارد، بهره‌بایستی پرداخت شود. استاندارد بازگرداندن که در خط‌مشی‌های بانک جهانی مطرح شده، بالاتر از استانداردهایی است که در بسیاری از معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری یافت می‌شود. در بعضی از این معاهدات، در حالت کمبود منابع ارزی در کشور میزبان، انتقال جزئی را پیش‌بینی می‌نمایند (سوراناچا، ۱۹۹۴، ص ۲۱۸).

در ماده ۴ قانون جلب و حمایت از سرمایه‌های خارجی ۱۳۳۴ ایران، نیز انتقال اصل سرمایه و سود سالیانه سرمایه‌گذاری خارجی به صورت ارز یا کالای مجاز اجازه داده شده است. لیکن از نظر روش‌های تأمین منابع ارزی برای این‌گونه انتقال، تسهیلات لازم را فراهم نمی‌کند، از جمله این که در قانون مذکور مقرر شده: سود سالیانه به همان ارزی که سرمایه وارد شده به خارج انتقال یابد و نه هر ارز قابل تبدیل که این خود نوعی محدودیت را برای سرمایه‌گذاران خارجی ایجاد می‌کند. البته در طرح جلب و حمایت از سرمایه‌های خارجی که توسط مجلس شورای اسلامی در دست بررسی است و در آینده نزدیک جایگزین قانون فعلی خواهد شد این محدودیت برداشته شده و اجازه می‌دهد که سود سالیانه به ارز قابل تبدیل یا به صورت کالای مجاز منتقل شود.

هم‌چنین بر اساس ماده ۱۳ آئین‌نامه اجرایی قانون مذکور، نرخ ارز جهت انتقال سود یا برگشت سرمایه، نرخ فروش بانک در روز انتقال خواهد بود. با توجه به تفاوت نرخ واقعی ارز در بازار، با نرخ فروش بانک این مسئله نیز می‌تواند از جذابیت قانون فعلی بکاهد. لذا در طرح جدید مجلس، نرخ تسعیر برای کلیه انتقال ارز، نرخ جاری مترتب بر فعالیت‌های صادراتی کشور (نرخ مورد عمل در بورس) می‌باشد. با اعمال این نرخ تکلیف سرمایه‌گذار خارجی روشن می‌شود، زیرا نرخ جاری بورس نزدیک‌ترین نرخ به نرخ واقعی ارز می‌باشد.

### ج - سلب مالکیت از سرمایه‌گذاران خارجی

موضوع سلب مالکیت از سرمایه‌گذاران خارجی نیز یکی از مباحث مورد اختلاف دو گروه از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه بوده است. البته امروزه اختلافات بر

سر این موضوع تا حدود زیادی کاسته شده است و لذا هر دو دسته از این کشورها در این مسئله متفق القول هستند که از دیدگاه حقوق بین‌الملل، سلب مالکیت و ملی کردن اموال خارجیانی یکی از حقوق مسلم کشورها می‌باشد. اساس حقوق سلب مالکیت بر اصول شناخته شده حقوق بین‌الملل مبتنی می‌باشد. از جمله این اصول، اصل حق ملت‌ها در تعیین سرنوشت خود و اصل حق حاکمیت دائمی کشورها بر منابع خود می‌باشند، که بسیاری از حقوقدانان این اصول را از قواعد آمره حقوق بین‌الملل معاصر به شمار می‌آورند.

واژه سلب مالکیت<sup>۱</sup>، واژه‌ای عام است که به گونه‌های مختلف ضبط و تصرف اموال خارجیانی توسط دولت تعمیم داده می‌شود. حقوقدانان و صاحب نظران به علت مشخصه‌هایی چند از جمله، تأثیر ملی کردن بر اقتصاد ملی و ابعاد آن، بین این نوع سلب مالکیت با سایر موارد سلب مالکیت بویژه سلب مالکیت موردی و منفرد تفاوت قائل می‌شوند. ملی کردن به سلب مالکیت‌های بزرگ که به اقتضای مصالح سیاسی - اقتصادی کشور و به موجب قانون صورت می‌پذیرد و بخش مهمی از اقتصاد کشور را در بر می‌گیرد اطلاق می‌گردد (افتخار جهرمی، ۲-۱۳۷۱، ص ۳۶).

البته سلب مالکیت باید واجد شرایطی باشد تا قانونی محسوب گردد. اهمیت این شرایط به این دلیل است که آثار سلب مالکیت قانونی و غیرقانونی تا حدود زیادی از هم متمایز می‌باشد. برای قانونی بودن سلب مالکیت سه شرط اساسی وجود دارد: ۱- وجود هدف عمومی برای سلب مالکیت، ۲- عدم تبعیض در سلب مالکیت، ۳- پرداخت غرامت (امام، ۱۳۷۳، ص ۳۵۴). یکی از امتیازاتی که حقوقدانان برای ملی کردن قائل شده‌اند این است که شرط هدف عمومی و عدم تبعیض در ملی کردن‌ها مستتر و مفروض تلقی می‌شود؛ لذا از این جهت ملی کردن غیرقانونی تلقی نمی‌شود. در برخی از آراء دیوان داوری دعاوی ایران و ایالات متحده نیز به این مفهوم توجه شده است (مجموعه آراء و تصمیمات دیوان داوری ایران - ایالات متحده، ج ۸، ص ۵۲۲).

در حالی که در خصوص دو شرط اول توافق جهانی وجود دارد، اما در مورد شیوه

1. Expropriation.

ارزیابی جبران خسارت چنین توافقی وجود ندارد. در پاره‌ای از معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری خصوصاً معاهداتی که با کشورهای توسعه یافته منعقد می‌شود از فرمول جبران خسارت «کافی، مؤثر و فوری» استفاده می‌کنند. اما فرمول‌های دیگری همچون «جبران خسارت عادلانه» نیز مورد توجه کشورها قرار گرفته است (آنکتاد). در اسناد بین‌المللی در مورد فرمول دوم به جای واژه «عادلانه»<sup>۱</sup> از واژه‌های دیگری چون «مناسب»<sup>۲</sup> یا «منصفانه»<sup>۳</sup> نیز استفاده شده است، از جمله در خط مشی‌های بانک جهانی در مورد رفتار با سرمایه‌گذاری خارجی واژه «مناسب» به کار رفته است.

در خصوص فرمول اول، منظور از کافی بودن خسارت، این است که مبلغ پرداختی باید معادل قیمت کامل مال و هم‌چنین بهره تا تاریخ پرداخت باشد. منظور از مؤثر بودن، اساساً قابل انتقال بودن مبلغ پرداختی به ارز خارجی است و منظور از فوری بودن، آن است که پرداخت موقوف به گذشت مدت غیرمعقولی از تاریخ سلب مالکیت نگردد (نصیری، ۱۳۷۰، ص ۲۷۶). این فرمولی است که از سوی کشورهای صادرکننده سرمایه به عنوان یک قاعده عرفی بین‌المللی مطرح شده است و سعی نموده‌اند که در مقابل مخالفت کشورهای میزبان در حال توسعه با آن با قرار دادن این فرمول در قراردادها منعقد شده با این کشورها مبنای حقوقی قابل قبول برای آن ارائه دهند.

فرمول دوم، یعنی «جبران عادلانه» مبین این است که مسئولیت دولت به پرداخت غرامت بابت سلب مالکیت از سرمایه‌گذار خارجی در حالتی که عمل دولت مشروع و قانونی باشد منحصر به پرداخت قیمت واقعی مال در زمان سلب مالکیت است و عناصر دیگر از قبیل عدم النفع و غیره قابل اعتنا و پرداخت نیست. در قضیه معروف کارخان خورز که از آرا قدیمی و معتبر دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی است و نیز دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده در برخی از آراء خود از جمله پرونده خمکو این دیدگاه مورد تأیید قرار گرفته است (افتخار جهرمی، ۲-۱۳۷۱، ص ۴۱).

هم‌چنین در خط مشی‌های بانک جهانی و نیز در آرا داوری دیوان دعاوی ایران و

1. Just.

2. Appropriate.

3. Equitable.

امریکا و هم چنین در نظریات حقوقدانان بین‌المللی، در جایی که ملی کردن در مقیاس وسیع به دنبال اصلاحات اقتصادی یا اجتماعی انجام می‌شود فقط «جبران خسارت جزئی» پرداخت می‌شود. در این حالت دولت حق دارد اموال مورد نظر را ملی کند و فقط در حد توانایی خود غرامت پردازد (افتخار جهرمی، ۲-۱۳۷۱، ص ۴۴).

قانون سال ۱۳۳۴ ایران نیز فرمول جبران عادلانه خسارت را مقرر می‌دارد. ماده ۳ قانون مذکور بیان می‌دارد:

چنانچه با وضع قانون خاصی از صاحب سرمایه‌ای سلب مالکیت شود، دولت جبران عادلانه خسارت وارده را تضمین می‌کند...

بر اساس ماده ۱۴ آئین‌نامه قانون مذکور: جبران عادلانه خسارت وارده به ماخذ ارزش زمان عادی بلافاصله قبل از سلب مالکیت انجام می‌شود. در قانون فعلی صحبتی از شرایط قانونی بودن سلب مالکیت، که از آن سخن به میان آمد، نمی‌کند، بنابراین باید در اصلاح یا تدوین قوانین جدید به امر توجه شود. البته در معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری میان ایران و سایر کشورها این شرایط ذکر می‌شود. هم چنین در این معاهدات بین دو فرمول جبران خسارت تلفیق به عمل آمده است، بدین معنا که بر اساس این معاهدات، از جمله معاهده میان دولت ج.ا.ایران و ارمنستان و ج.ا.ایران و پاکستان سلب مالکیت در مقابل پرداخت سریع، مؤثر و منصفانه خسارت صورت می‌گیرد. که شرایط فوری و مؤثر بودن پرداخت خسارت در کنار جبران منصفانه قرار گرفته است.

هم چنین به کارگیری واژه زمان عادی برای ارزش‌گذاری سرمایه‌گذاری سلب مالکیت شده در قانون فعلی، ابهاماتی را در زمینه ارزیابی ارزش سرمایه‌گذاری به وجود می‌آورد. این ابهام نیز در معاهدات دوجانبه رفع شده است و لازم است در اصلاح قانون فعلی یا تدوین قانون جدید به این مسئله توجه شود و محاسبه و پرداخت به ماخذ ارزش واقعی سرمایه‌گذاری بلافاصله قبل از سلب مالکیت صورت گیرد.

لازم به ذکر است که در صورتی که سرمایه‌گذاران خارجی مقررات کشور میزبان را نقض کرده و ضبط اموال آن‌ها به عنوان مجازات اعمال شود، پرداخت هیچ‌گونه جبران

خسارتی از سوی کشور میزبان لازم نخواهد بود (سورانا، ۱۹۹۴، ص ۲۲۲).

### د - حل و فصل اختلافات با سرمایه‌گذاران خارجی

یکی از موضوعات اساسی مورد توجه سرمایه‌گذاران خارجی در امر سرمایه‌گذاری مسئله حل و فصل اختلافاتی است که در جریان سرمایه‌گذاری ممکن است با کشور میزبان پیدا کنند. امروزه در اکثر اسناد بین‌المللی از جمله معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری، خط مشی‌های بانک جهانی در مورد رفتار با سرمایه‌گذاران خارجی و هم‌چنین تقریباً تمام قوانین سرمایه‌گذاری خارجی کشورها رجوع به داوری بین‌المللی به عنوان یک شیوه مناسب و مورد قبول کشور میزبان و سرمایه‌گذاران خارجی پیش‌بینی شده است.

در حالی که رجوع به دیوان بین‌المللی دادگستری برای افراد مجاز نیست و آن‌ها تنها حق دارند از حمایت دیپلماتیک دولت متبوع خود استفاده کنند، دستیابی به دیوان دائمی داوری و داوری مرکز حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری میان دولت‌ها و اتباع دول دیگر (ICSID)<sup>۱</sup> امکان‌پذیر است. بسیاری از اختلافات میان دولت و سرمایه‌گذار خصوصی خارجی از طریق داوری تجاری بین‌المللی نهادینه شده، مثل دیوان داوری ICC یا محاکم ویژه داوری حل و فصل می‌شوند. از مهم‌ترین دیوان‌های داوری که در حال حاضر در این خصوص فعالیت دارد، دیوان دعاوی ایران - ایالات متحده می‌باشد که به دعاوی اتباع دو دولت علیه یکدیگر رسیدگی می‌کند.

نکته قابل توجه این‌که، در خصوص رجوع به داوری بین‌المللی نیازی به مراجعه مقدماتی به مراجع داخلی نیست (فلدرن، ۱۳۷۹، ص ۳۴۲). پیش‌بینی رجوع به داوری بین‌المللی در اسناد بین‌المللی و قوانین ملی باعث اطمینان و اعتماد بیشتر سرمایه‌گذاران خارجی و در نتیجه جذب بیشتر سرمایه‌گذاری خارجی به کشور میزبان خواهد شد، چرا که اصولاً سرمایه‌گذاران خارجی به دلیل عدم اعتماد به محاکم کشور میزبان و برای فرار از مقررات داخلی آن حاضر به ارجاع اختلافات خود به این محاکم

1. International Center for Settlement of Investment Disputes.

نیستند. لذا کشورهای در حال توسعه طالب سرمایه‌گذاری خارجی در اولین گام برای وارد شدن به تکاپوی اقتصادی جهان، برای جذاب کردن قوانین خود رجوع اختلافات به داوری بین‌المللی را پیش‌بینی می‌کنند.

رسیدگی به اختلافات بین سرمایه‌گذار و طرف‌های خصوصی دیگر، مانند شرکت‌های محلی یا رقبای خارجی اصولاً به موجب شرط رفتار ملی در مورد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی داخل حوزه صلاحیت دادگاه‌های کشور میزبان قرار می‌گیرد. با وجود این در سال‌های اخیر رویه تجاری به سوی استفاده بیشتر از داوری بازرگانی گراییده است. (فتوروس، ۱۳۷۷، ص ۱۰۵).

در قانون ۱۳۳۴ جلب و حمایت از سرمایه‌های خارجی ایران، ماده‌ای جداگانه برای حل و فصل اختلافات بین دولت و سرمایه‌گذار خارجی پیش‌بینی نگردیده است و صرفاً برای رسیدگی به ادعای سرمایه‌گذار در مواقع سلب مالکیت، دادگاه‌های داخلی به عنوان مرجع حل اختلاف معرفی گردیده‌اند، که این با روند فعلی در اسناد بین‌المللی و قوانین ملی کشورها که در صدد محدود کردن نقش دادگاه‌ها و قوانین محلی در مورد حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری و استفاده از داوری بین‌المللی می‌باشند، همسو نیست و از جذابیت قانون سرمایه‌گذاری خارجی ایران می‌کاهد.

با توجه به اصل ۱۳۹ قانون اساسی که فقط صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری را در صورتی که طرف دعوا خارجی باشد موکول به تصویب مجلس کرده است، به نظر می‌رسد که اختلافات دولت با سرمایه‌گذاران خارجی در غیر از مورد جبران خسارت مربوط به سلب مالکیت، در صورت توافق طرفین می‌تواند از طریق داوری بین‌المللی حل و فصل گردد. هم‌چنین بر اساس اصل ۱۳۹ قانون اساسی، مجلس می‌تواند حتی در خصوص مسئله جبران خسارت اجازه رجوع به داوری بین‌المللی را به دولت بدهد. بدین لحاظ است که در معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری خارجی ایران با سایر کشورها، برای حل و فصل اختلافات میان یک طرف متعاقد با سرمایه‌گذار، رجوع به دیوان داوری پیش‌بینی شده است. بنابراین لازم است در صورت اصلاح قانون فعلی یا تدوین قانون جدید به این مورد توجه کافی



صورت گیرد.

## ۲) تسهیلات مالی اعطایی به سرمایه‌گذاران خارجی

طبیعی است هر کشوری که خواهان جذب سرمایه‌گذاری خارجی و استفاده از منافع آن است بایستی تسهیلات و امتیازات ویژه‌ای را در این خصوص به سرمایه‌گذاران خارجی اعطا نماید. در واقع کشورهای در حال توسعه با ارائه تسهیلات مالی ویژه تلاش می‌کنند با جذاب‌تر کردن محیط سرمایه‌گذاری، ریسک سرمایه‌گذاری را برای سرمایه‌گذاران خارجی کاهش دهند و با پیش‌رکشی چنین تسهیلاتی باعث سودآورتر شدن فعالیت‌های سرمایه‌گذاری در کشور خود شوند.

البته کشورها به طور یک جانبه اقدام نموده و تعهدی بین‌المللی در این خصوص ندارند، لذا از نظر میزان تسهیلات اعطایی با هم تفاوت دارند. کشورهای نوصنعتی از جمله کشورهای هستند که دولت آن‌ها برای پایدار نگه داشتن ورود سطح بالایی از سرمایه‌گذاری خارجی از مشوق‌های آزادمنشانه و پرجاذبه‌ای استفاده کرده‌اند (امیراحمدی، ۱۳۷۹، ص ۱۵۶). چنین تسهیلاتی شامل تخفیف‌ها و معافیت‌های مالیاتی، برقراری نرخ‌های پایین برای استفاده از خدمات شهری، کاهش عوارض گمرکی و محدودیت‌های ارزی و امکان استفاده از بیمه سرمایه‌گذاری و... می‌باشد.

قانون جلب و حمایت از سرمایه‌های خارجی ۱۳۳۴ ایران از نظر اعطای تسهیلات مالی در مقایسه با قوانین سایر کشورهای در حال توسعه موفق در جذب سرمایه‌گذاری خارجی، از جذابیت لازم برخوردار نیست. در ماده ۳ این قانون آمده است:

سرمایه‌هایی که مطابق با ماده یک این قانون به ایران وارد می‌شود و منافع حاصل از به کار افتادن سرمایه‌های مزبور در ایران از کلیه حقوق و معافیت‌ها و تسهیلاتی که برای سرمایه‌ها و بنگاه‌های تولیدی خصوصی داخلی موجود است بهره‌مند می‌شوند.

لذا بر اساس پذیرش استاندارد رفتار ملی، سرمایه‌گذاران خارجی از لحاظ پرداخت مالیات تابع قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ می‌باشند. در حالی که حداکثر نرخ مالیات در بسیاری از کشورهای در حال توسعه یا توسعه یافته در حدود ۳ درصد است.

این رقم در قانون فعلی ایران ۵۴ درصد می باشد. در کنار این نرخ بالای مالیاتی حداقل ۲۶ نوع عوارض مختلف از سرمایه گذاران خارجی و داخلی گرفته می شود (دفتر بررسی های اقتصادی، ۱۳۷۸، ص ۲۴۷) که حاصل چنین وضعیتی غیر قابل محاسبه بودن شرایط برای سرمایه گذار بوده و طبیعتاً او را از اقدام به سرمایه گذاری به طور محافظه کارانه باز می دارد. امید است در لایحه اصلاح قانون ۱۳۶۶ به این مسئله توجه شود و زمینه اعتماد و اطمینان سرمایه گذاران خارجی برای سرمایه گذاری در ایران فراهم شود.

## نتیجه گیری

بی تردید در عصر حاضر رقابت شدیدی میان کشورها در جهت جذب هر چه بیشتر سرمایه گذاری خارجی در جریان است. در این میان کشورهای موفق خواهند بود که بتوانند محیط مناسب سرمایه گذاری خارجی را فراهم سازند و رفتار مطلوبی با سرمایه گذاران خارجی در پیش گیرند.

امروزه کشورهای در حال توسعه دریافته اند که سرمایه گذاری مستقیم خارجی نقش زیادی در توسعه اقتصادی آنها بازی خواهد کرد و لذا بر خلاف گذشته نسبت به پذیرش و رفتار با سرمایه گذاران خارجی بطور آزاد منشانه تر عمل می کنند و سعی می نمایند که با تدوین قوانین لازم و اتخاذ سیاست های صحیح و حتی با پذیرش تعهدات بین المللی اعتماد و اطمینان سرمایه گذاران خارجی را جلب نمایند.

در این مقاله وضعیت رفتار با سرمایه گذاران خارجی در قوانین سرمایه گذاری خارجی ایران خصوصاً قانون جلب و حمایت از سرمایه های خارجی سال ۱۳۳۴ مورد توجه قرار گرفت. البته بررسی تمام زمینه های رفتاری در یک مقاله امکان پذیر نمی باشد، لذا تلاش کردیم مهم ترین موضوعات را مورد بررسی قرار دهیم. ملاحظه گردید که از لحاظ پذیرش و ورود سرمایه گذاری خارجی، محدودیت های زیادی پیش روی سرمایه گذاران خارجی می باشد و لازم است در این قسمت اصلاحات لازم در قوانین صورت گیرد.

نحوه رفتار پس از پذیرش که در قانون جلب و حمایت از سرمایه‌های خارجی ۱۳۳۴ مطرح شده نیز با رفتارهایی که امروزه پاره‌ای از کشورها در قوانین ملی و اسناد بین‌المللی اتخاذ کرده‌اند هم‌خوانی ندارد، لازم است در این قسمت نیز قانون فعلی مورد بازنگری قرار گیرد، زیرا قانون موجود مربوط به سال‌های گذشته است و با تحولات که در ده‌های اخیر در نحوه برخورد با سرمایه‌گذاری خارجی صورت گرفته مطابقت ندارد و لذا قانون ایران در مقایسه با قوانین سایر کشورها از شفافیت و جذابیت لازم برخوردار نیست.

انعقاد معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری خارجی بین دولت ایران و سایر کشورها در جهت تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری خارجی و پذیرش تعهداتی از سوی دولت مبنی بر رفتار مطلوب با سرمایه‌گذاران طرف مقابل حتی بر خلاف رفتارهای پیش‌بینی شده در قانون فعلی، نشان دهنده این است که دولت ایران نیز به این نکته پی برده که قانون فعلی به هیچ وجه با نیازهای زمان سازگار نیست.

## مآخذ

- ۱- فتوروس، آ.آ، چشم‌انداز انعقاد یک عهدنامه عمومی بین‌المللی درباره سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، ترجمه دکتر امیرمسعود فخرایی، مجله حقوقی، شماره ۲۳، پاییز و زمستان ۱۳۷۷.
- ۲- باسیل، آنتوان و دیگران، تدوین و اجرای سیاست‌های سرمایه‌گذاری خارجی، ترجمه غلامحسین رهبری (تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۳).
- ۳- افتخار جهرمی، گودرز، دیوان دآوری دعاوی ایران - ایالات متحده و عملکرد آن در قلمرو حقوق بین‌الملل، مجله حقوقی، شماره ۱۶ و ۱۷، سال ۲-۱۳۷۱.
- ۴- امام، فرهاد، حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در ایران (تهران، نشر یلدا، ۱۳۷۳).
- ۵- امیراحمدی، هوشنگ، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۵۲-۱۵۱، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۹.
- ۶- امینی، امیر هوشنگ، جلب مشارکت خارجی در سرمایه‌گذاری و تولید یا استقراض و اتلاف منابع، نامه اتاق بازرگانی، شماره ۱، فروردین ۱۳۷۸.
- ۷- حدادی، مهدی، تحولات حقوق حاکم بر رفتار با سرمایه‌گذاری خارجی، مجله مجمع آموزش عالی قم، شماره ۶، تابستان ۱۳۷۹.
- ۸- دفتر بررسی‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاری خارجی در ایران نگاهی به پشت سر، مجلس و پژوهش، شماره ۲۸، سال ششم، مهر و آبان ۱۳۷۸.
- ۹- رحمانی، فریده، نقش ارشادی دولت در هدایت جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۵۲-۱۵۱، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۹.
- ۱۰- سازمان توسعه صنعتی ملل متحد، قراردادهای نمونه در تجارت بین‌الملل جلد دوم: راهنمای تنظیم موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری مشترک صنعتی، ترجمه رضا پاکدامن (تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۲).
- ۱۱- سیدنورانی، سیدمحمد رضا، اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر تقاضای کل اقتصاد، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۵۲-۱۵۱، فروردین و اردیبهشت

۱۳۷۹.

- ۱۲- نصیری، مرتضی، حقوق چندملیتی (تهران، نشر دانش امروز، ۱۳۷۰).
- ۱۳- هومن فلدرن، آیگناس زایدل، حقوق بین الملل اقتصادی، ترجمه قاسم زمانی (تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات حقوقی شهر دانش، ۱۳۷۹).
- 14- Delupis, I., Finance and Protection of Investments in Developing Countries (Great Britain, Gower, 1973).
- 15- Geist, Michael. A., Toward A General Agreement on the Regulation of Foreign Direct Investment, Law & Policy in International Business, No. 5, Vol. 26, 1995.
- 16- Muchlinski, P.T., Multinational Enterprises and the Law (Great Britain, Black Well, 1995).
- 17- Sacerdoti. G., Bilateral Treaties and Multilateral Instruments on Investment Protection, Recueil Des Course, Vol. 269, 1997.
- 18- Sornarajah, M., The International Law on Foreign Investment (Great Britain, Cambridge Uni., 1994).
- 19- UNCTAD, International Investment Agreements, [www.unctad.org](http://www.unctad.org).
- 20- Vagts, Detlev.F., Minimum Standard, Encyclopedia of Public International Law (North-Holland, Elsevier Science Publishers B.V., 1985) Vol. 8.
- 21- Wallace.C.D., Legal Control of the Multinational Enterprises (Martinus Nijhoff, 1983).



پروہش گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی